

نگاهی به علل و زمینه‌های اشاعه و نفوذ انقلاب اسلامی در کشور لبنان (از منظر الگوی نظریه پخش)

علی اکبر رضایی^۱، وحید بخششی جهان‌آباد^۲

چکیده

صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورهای جهان از نخستین روزهای به پیروزی رسیدن انقلاب اسلامی در کلام امام خمینی (ره) بعنوان رهبر انقلاب اسلامی پدیدار گشت. باتوجه به زمینه تاثیر پذیری عقیدتی و ایدئولوژیکی لبنان از انقلاب اسلامی، جهان شاهد بوجود آمدن یک تشکیلات منظم و منسجم نظامی و سیاسی در لبنان است. هدف مقاله حاضر واکاوی و تحلیل مبانی علل و زمینه‌های اشاعه و نفوذ انقلاب اسلامی در کشور لبنان می‌باشد. باتوجه به تاثیر ملموس انقلاب اسلامی در لبنان بررسی علمی علل آن ضروری می‌نماید بر همین اساس نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی ضمن بررسی پایه‌های و عقیدتی انقلاب اسلامی ایران، به بررسی تاثیر این منابع بر شیعیان لبنان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نفوذ انقلاب اسلامی ایران در کشور لبنان به دلیل داشتن آرمان مشترک که همانا پیروی از اسلام بعنوان یگانه راه سعادت در برابر اندیشه‌های لیبرالیسم و مارکسیسم، مولفه‌های ارزشی و فرهنگی مشترک چون آزادی، عدالت، استقلال و عزت، دشمن مشترک که همانا ابرقدرت‌ها و نمایندگان آنها در منطقه و ایدئولوژی مشترک که همان ایدئولوژی اسلام شیعی تحت رهبری ولی فقیه می‌باشد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، لبنان، نظریه پخش

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) Rezaei.yu@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اسلام با گذشت زمان، توسعه و مدرنیزاسیون در جوامع، اثرات و بازتاب‌های پایداری در سطوح منطقه‌ای - جهانی و بین‌المللی داشته است. قرآن و آیات آن در دنیای پس از انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم جدیدی یافت. پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان و افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید. بگونه‌ای که از حالت تدافعی درآمده و حالت تهاجمی به خود گرفته است. انقلاب اسلامی ایران گفتمان و ذهنیت جدیدی در مسلمانان به وجود آورد. از این‌رو بررسی ابعاد منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی، بویژه در جهان اسلام که محمل اصلی شعار و پیام انقلاب اسلامی است و در رابطه با دولت‌ها و ملت‌ها امری مهم تلقی می‌گردد که از لحاظ آکادمیک نیز به توجه بیشتری نیاز دارد. در این میان لبنان یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین کشورها برای ارزیابی است که نزدیک‌ترین رابطه را با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی داشته است (آقاجانی قناد، ۱۳۸۶: ۳).

انقلاب اسلامی ایران بعنوان نقطه آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نویدبخش دوره جدیدی از ظهور اسلام بود که سایر ملت‌های اسلامی، از جمله شیعیان لبنان را به تکاپو واداشت. تاثیر انقلاب بر شیعیان لبنان بیش از هر چیز مرهون عواملی همچون اقدامات روشن‌گرانه امام موسی صدر در بین شیعیان لبنان، اشغال جنوب لبنان به وسیله اسرائیل و محرومیت شیعیان آن‌جا بود؛ این عوامل باعث شد تا لبنان به مناسب‌ترین محل برای رشد افکار انقلابی شیعه تبدیل شد و شیعیان این کشور به برکت انقلاب اسلامی ایران، رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و به تدریج نقش موثری را در تحولات سیاسی-اجتماعی برعهده گرفتند. روابط شیعیان لبنان با ایرانیان به صدها سال پیش از وقوع انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. یعنی دورانی که مبلغین لبنانی برای ترویج دین به سمت ایران حرکت کردند. بدین ترتیب پس از انقلاب اسلامی بیشترین نزدیکی و همراهی هم از سوی شیعیان لبنانی بود که با انقلاب اسلامی ایران دارای آرمان مشترک، مولفه‌های فرهنگی و ارزشی مشترک، دشمن مشترک و ایدئولوژی مشترک بودند. این مولفه‌ها در کنار تأثیرپذیری شیعیان لبنان از حرکت ضد سلطه‌گرانه امام (ره)، باعث به وجود آمدن نوعی خودباوری در شیعیان لبنان گردید، که موجبات حضور قدرتمند و عزتمند شیعیان لبنان در فضای سیاسی و اجتماعی لبنان و حتی منطقه را فراهم آورد.

۱- پیشینه پژوهش

- رضا سیمبر، نظام‌الدین موسوی و روح‌اله قاسمیان در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر خیزش‌های مردمی در جهان عرب» که در فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی (۱۳۹۳) انتشار یافت تلاش کرده‌اند نشان دهند که طبق نظریه پخش انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌های مشترکی چون ایده واحد،

دشمن یکسان، آرمان مشترک، وحدت‌گرایی و مردم‌مداری دارای نقاط اشتراک با خیزش‌های مردمی در جهان عرب می‌باشد.

- دومین پیشینه ادبی مقاله‌ای است با عنوان «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام» نوشته منوچهر محمدی که در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (۱۳۸۴) انتشار یافت تلاش می‌کند نشان دهد که دولت‌های معاصر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران عموماً از این تحول و رخداد عظیم تاریخی استقبال به عمل نیاوردند و خواستند مانع صدور آن شوند ولی با وجود تمام تلاش‌هایی که در این زمینه انجام پذیرفت در این امر ناکام ماندند.

- حسن مجیدی در مقاله‌ای با عنوان «از جنبش تا نهاد، بازخیزی شیعیان خاورمیانه» که در سال (۱۳۸۹) انتشار یافت با بازنمایی وضعیت فعلی بازخیزی شیعیان خاورمیانه به تشریح و بسط ظرفیت‌های تأثیرگذاری این مولفه مهم در آینده به بررسی تنوع و آثار و نتایج این بازخیزی در صحنه خاورمیانه پردازد.

- حمیدرضا منیری و محمدهادی فلاح‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «حج ابراهیمی و صدور انقلاب اسلامی فرصت‌ها و موانع» که در فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی (۱۳۹۴) انتشار یافته تلاش کرده‌اند نشان دهند که حج ابراهیمی با وجود موانعی بالفعل بر سر راه خود، ظرفیت‌های بالقوه فراوانی در ابعاد و سطوح مختلف جهت صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی دارد و می‌توان ارزش‌های انقلاب اسلامی را از این دریچه به کشورهای ۹۳ مقصد انتشار داد.

آثار و تألیفات بسیار دیگری نیز در زمینه صدور انقلاب اسلامی وجود دارد ولی در آنها به صدور انقلاب هم از طریق اسلام و هم تشیع غفلت شده است، همچنین نفوذ انقلاب اسلامی ایران به کشوری مانند لبنان که در آن شیعیان قدرت را در دست نداشتند نیز کم پرداخته شده است، که در این پژوهش دلایل این نفوذ در لبنان را بررسی کرده‌ایم.

۲- چارچوب نظری پژوهش: نظریه پخش

نظریه پخش^۱ عبارت است از فرآیندی که برطبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار گیرد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴). این نظریه به همت هاگر استرن (جغرافیدان سوئدی) در سال ۱۹۵۳ ابداع گردید. وی بواسطه این نظریه در پی کسب چگونگی گسترش نوآوری در زمینه پدیده‌های کشاورزی و سل گاوی در طی سال‌های مختلف برآمد (معین‌آبادی و انتقامی، ۱۳۹۴: ۴).

^۱ Broadcast theory

این نظریه که برگرفته از تئوری‌های روان‌شناسی اجتماعی است توسط هاگر استرند^۱ مطرح گردیده است. در این چارچوب چند نوع پخش مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است:

۱-۱- پخش جابجایی

پخش یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می‌باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است. این نوع پخش زمانی رخ می‌دهد که افراد و گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، بطور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به طریق ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی؛ اشاعه یافته‌اند (معین‌آبادی و انتقامی، ۱۳۹۴: ۷).

۲-۱- پخش سلسله مراتبی

در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک «فرد مهم» به یک فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد. بنابراین، فرآیند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس یا مد آرایش سر یا کالاهای مصرفی جدید، نظیر کامپیوتر، یا عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به شهرهای بزرگ میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله مراتبی انجام می‌شود. بنابراین، نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین منتشر می‌شود. برخی این پدیده را «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند؛ یعنی فرآیندی که از مرکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود. مثلاً در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد قبیله نیز تغییر دیانت می‌دانند. این مورد یکی از بهترین مثال‌های پخش سلسله مراتبی است (برزگر، ۱۳۸۲: ۶).

۳-۱- پخش سرایتی

در پخش سرایتی، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود. بنابراین، افراد در نواحی نزدیک، نسبت به افراد در نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند (برزگر، ۱۳۸۲: ۷).

۲- مفهوم صدور انقلاب

امام خمینی (ره) درباره صدور انقلاب به صراحت می‌فرماید: «اینکه ما می‌گوئیم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنای غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای

¹ Hager Strand

مسلمین را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها بشود. آرزوی ما این است. معنای صدور انقلاب ما این است که همه ملت‌ها بیدار شوند و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند و از این تحت سلطه بودنی که هستند و از اینکه همه مخازن آنها دارد به باد می‌رود و خودشان به نحو فقر زندگی می‌کنند، نجات بدهند» (صحیفه، ج ۱۳: ۲۵۷).

باتوجه به این معنای صدور انقلاب از دیدگاه امام (ره) می‌توان گفت صدور انقلاب از دیدگاه ایشان به معنای دخالت در شؤون مردم کشورهای دیگر نیست بلکه رهایی این کشورها از سلطه ابرقدرت‌ها و اینکه ملت‌ها خودشان سرنوشت خودشان را رقم بزنند. همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل یکصد و پنجاه و چهارم خود به صدور انقلاب اسلامی توجه کرده. اصل ۱۵۴: «جمهوری اسلامی ایران، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد». بنابراین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر ابرقدرت‌ها در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند (خلیلی، ۱۳۹۲: ۳).

در واقع می‌توان بیان نمود که در دیدگاه حضرت امام ضمن آنکه صدور انقلاب یک وظیفه حتمی و انقلابی ۹۵ به شمار می‌آید، ولی چنین روندی در صورتی موفق خواهد شد که بتواند در داخل نیز یک الگوی موفق تدارک دیده و بعنوان امت شاهد و نمونه تلقی شود. لذا صدور انقلاب از دیدگاه امام (ره) به مفهوم تأکید بر تحقق ارزش‌ها در داخل و اهتمام جدی به ارائه و اشاعه ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در خارج می‌باشد. همان‌طور که از فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین از قانون اساسی جمهوری اسلامی پیداست، هدف از صدور انقلاب، دفاع از مظلومین در برابر ابرقدرت‌ها است و نه دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر می‌باشد. یعنی صدور انقلاب برای سعادت دیگر ملت‌ها صورت می‌گیرد و کشوری که به این کار مبادرت می‌ورزد سود و منفعتی از آن نخواهد برد، و اگر این هدف نباشد و برای کسب منافع باشد این صدور الهی نیست و شیطانی می‌باشد، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القریه الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا؛ چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: خدایا ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود، سرپرست قرار ده و برای ما از طرف خودیار و یآوری تعیین فرما»^۱.

^۱ سوره نساء، آیه ۷۵

سیاست صدور انقلاب ارتباط وثیقی با ایدئولوژی حاکم بر انقلاب دارد. ایدئولوژی که حاوی اصول جدی، از جمله تأکید مجدد بر اسلام، به مثابه شیوه تمام عیار زندگی، عدم اعتقاد به جدایی دین از سیاست، اعتقاد به اینکه قدرت مسلمانان نیازمند حاکمیت اسلام است، معرفی دوباره شریعت به مثابه طرح اسلامی جامعه مطلوب، و تمایل به نبرد (جهاد) علیه تمام ناراستی‌ها، حتی اگر به شهادت منجر شود (آقاجانی قناد، ۱۳۸۶: ۳).

هرگاه یک کنش سیاسی متأثر و دنباله‌رو کنش سیاسی دیگری باشد باید دارای شاخص‌ها یا زمینه‌های مشترک با کنش سیاسی مبدأ باشد و این شاخص‌ها هم می‌توانند انتزاعی و ارزشی باشند، مانند، آرمان‌ها و عقاید مشترک و هم می‌توانند عینی باشند مانند شیوه مبارزه یکسان. حال باید دید شاخص‌ها و زمینه‌های مشترک انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های سیاسی معاصر کدامند که در ذیل آنها را بررسی خواهیم کرد.

۱-۲- آرمان مشترک

انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، خواهان برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلام و استقرار حکومت اسلامی در جامعه مسلمانان و به اهتزاز درآوردن پرچم «لا اله الا الله» در سراسر جهان از طریق نفی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردم هستند. جنبش‌های اسلامی معاصر حیات خود را مدیون انقلاب اسلامی اند؛ زیرا انقلاب اسلامی به اسلام و مسلمانان حیاتی تازه بخشیده، آنها را از عزلت و حقارت نجات داد، بر ناتوانی مارکسیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم در اداره و هدایت مسلمانان مهر تایید زد و اسلام را بعنوان تنها راه‌حل برای زندگی سیاسی مسلمین مطرح ساخت (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۴-۵).

میشل فوکو^۱ متفکر شهیر فرانسوی نیز درباره انقلاب اسلامی می‌گوید: ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند و انقلاب اسلامی ایران برای معنویت‌گرایی است. به نظر فوکو، روح انقلاب اسلامی در این حقیقت یافت می‌شود که ایرانی‌ها از خلال انقلاب در جستجوی ایجاد تحول در شخصیت خویش بودند. فوکو قطب تحلیل خود را از انقلاب اسلامی ایران در معنویت‌گرایی سیاسی بیان می‌کند (صداوسیما، ۱۳۹۵).

۲-۲- دشمن یکسان

انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترک هستند. این دشمن مشترک که همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و رژیم صهیونیستی است، همانند کفار قریش، مغولان، صلیبیون افراطی،

^۱ Michel Foucault

اشغالگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست و ... کیان اسلام را تهدید می‌کنند. درحالی‌که انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی و نه غربی»، علم مبارزه علیه دشمن مشترک جهان اسلام را به دوش گرفت (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵).

آمریکا و اسرائیل از دیدگاه مسلمانان و جنبش‌های اسلامی، بزرگ‌ترین دشمنان جوامع اسلامی به شمار می‌روند و در این راستا، بیشترین رویارویی‌های نهضت‌های اسلامی با آنها صورت گرفته است (حوزه، ۱۳۸۹).

۲-۳- مولفه‌های فرهنگی و ارزشی

مولفه‌های فرهنگی - ارزشی انقلاب اسلامی طی فرایندی تدریجی، تغییر قابل‌توجهی در متغیرهای رفتاری و باورهای اسلامی - هویتی مردم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در مواجهه با ساختارهای سیاسی حاکم ایجاد کرده است. انقلاب اسلامی نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد شود و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و بازتعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. انقلاب اسلامی با اثبات توانایی دین برای حکومت‌داری و احیای نقش دین بعنوان عنصری تأثیرگذار بر تحولات جهانی، توانست به زنده کردن هویت اسلامی براساس پیوند دین و سیاست مبادرت کند (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

پیروزی انقلاب اسلامی، تشیع و در سطح وسیع‌تر اسلام را بعنوان مهم‌ترین کارگزار در سطح جهان تشیع و جهان اسلام مطرح کرده است؛ بطوریکه بسیاری از جنبش‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی، انقلاب اسلامی را الگوی مبارزاتی خود قرار داده‌اند. در واقع انقلاب اسلامی ایران به همان‌سان که در بعد نظری، در محدوده جغرافیایی خاصی محصور نماند و اهداف و آرمان‌های سیاسی - اجتماعی جهانی را پی‌ریزی نمود، در حوزه عملی نیز استراتژی خویش را بگونه‌ای سامان داد که دقیقاً اهداف جهانی و انسانی انقلاب را مورد توجه قرار دهد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که وقوع بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا نیز دارای پیوند عمیقی با انقلاب اسلامی ایران است (رهبر و همکاران، ۱۳۹۴: ۶).

۲-۴- ایدئولوژی

ایدئولوژی^۱ خالق ذهنیتی است که چند کار ویژه مهم دارد؛ نخست آنکه کارگزاران را مجبور ساخته از طریق آن، واقعیات را مشاهده کنند، دوم آنکه اهداف بلندمدت افراد و گروه‌ها را مشخص ساخته و راه‌های متکثری جهت دستیابی به این اهداف پیش‌روی آن قرار می‌دهد و سوم آنکه توجیه‌کننده و منطقی ساختن انتخاب کارگزاران را برعهده می‌گیرد. در واقع، ایدئولوژی همانند آینه‌ای است که واقعیات بیرونی را در ذهن کارگزاران به نمایش درمی‌آورد و آنها را از طریق خود با خارج آشنا می‌سازد (باقری دولت‌آبادی و فخرایی، ۱۳۹۷: ۹).

شکل‌گیری «ایدئولوژی انقلاب اسلامی» و ترس آمریکا و برخی کشورهای همسایه از صدور را می‌توان در شکل‌گیری جنگ میان ایران و عراق لحاظ کرد. آمریکایی‌ها هرچند حاضر نبودند که ایران را از دست بدهند، اما به خاطر رویارویی آن با قدرت‌های جهانی خواهان مهار آن بودند بگونه‌ای که کسینجر^۲ در اوایل انقلاب می‌گوید: «اگر انقلاب در چارچوب جغرافیایی ایران خلاصه شود برای ما قابل توجه است. ولی متوجه بودن صدور پیام انقلاب اسلامی، که حداقل خطاب به مسلمانان است، منافع و امنیت مقامات واشنگتن را تهدید می‌کند». همچنین در این رابطه هارلد براون^۳، وزیر دفاع اسبق آمریکا در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، تصریح می‌کند که بزرگ‌ترین خطر برای امنیت آمریکا خطر توسعه‌طلبی شوروی نیست بلکه خطری است که از گسترش انقلاب‌های غیرقابل کنترل مانند انقلاب اسلامی ایران در جهان سوم ناشی می‌شود و در خاورمیانه انقلاب ایران (امام) خمینی نیروهایی خواهد شد که ما ناچاریم آنها را به حساب آوریم (کسرای و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۳).

۹۸

محصور نبودن انقلاب اسلامی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور را می‌توان به کرات در سخنان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی مشاهده کرد بعنوان مثال امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما که نهضت کردیم، برای اسلام نهضت کردیم، جمهوری، جمهوری اسلامی است. نهضت برای اسلام همان دنیاله نهضت انبیاست. نهضت انبیاء برای یک محل نبوده است. پیغمبر اکرم (ص) اهل عربستان است؛ لکن دعوت‌اش مال عربستان نبوده، محصور نبوده به عربستان، دعوت‌اش مال همه عالم است (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۱۵).

۳- جغرافیای سیاسی لبنان

این کشور کوچک‌ترین سرزمین خاورمیانه پس از بحرین، پرجمعیت‌ترین کشور نسبت به وسعت خاکی خود در خاورمیانه می‌باشد که در نوامبر ۱۹۴۳م. استقلال‌اش به رسمیت شناخته شد. این کشور از لحاظ جغرافیایی،

¹ Ideology

² Kissinger

³ Harold Brown

در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه قرار دارد که از شمال و شرق با سوریه و از جنوب، با فلسطین اشغالی همسایه می‌باشد (طاهری، ۱۳۸۸: ۵). پس از بحران سال ۱۹۴۵م. توافق شد تا فرانسه و بریتانیا، لبنان را تخلیه کنند. این امر در سال ۱۹۴۶م. تحقق یافت. لبنان به‌رغم مداخله در جنگ اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۴۹ از نظر اقتصادی در وضعیت مناسبی بود. با این حال، لبنان در زمره کشوری چند فرهنگ‌گرا محسوب می‌شود که البته مسیحیان نیز در آن زندگی می‌کنند. در واقع راهبان مسیحی مارونی در قرن هفدهم میلادی به این منطقه وارد شده و آنچه امروز بزرگ‌ترین فرقه مسیحی لبنان به شمار می‌رود را تأسیس نمودند. دیگر فرقه‌های مسیحی که لبنان را بعنوان خانه خود برگزیدند عبارتند از؛ ارتدوکس‌های یونانی، «ملکیت»ها یا کاتولیک‌های یونانی، و جدیدتر از همه، مسیحیان آمریکایی (ترکی و ستوده آرانی، ۱۳۹۸: ۷).

لبنان خاستگاه علمی شیعیان در قرون اخیر است، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت لبنان را شیعیان تشکیل می‌دهند. اگر در عصر صفوی محقق کرکی برای بسط آموزه‌های شیعی به ایران آمد و با کمک دیگر علما پایه‌های تشیع در ایران را تقویت کرد، در عصر حاضر در دهه شصت این امام موسی صدر ایرانی تبار بود که با ورود به عرصه لبنان و بسیج نیروهای لبنانی پایه‌گذاری مقاومت شیعیان در لبنان شد (مجیدی، ۱۳۸۹: ۱۳).

۹۹

لبنان از جمله کشورهای اسلامی با علمای بزرگ اسلام از گذشته‌های دور تاکنون بود. اکثر علمای بزرگ جهان تشیع لبنانی بودند که به آموزش و تشریح دین اسلام مشغول بوده‌اند و حتی نقش بسزایی در ظهور و ترویج تشیع در ایران داشتند.

به لحاظ تاریخی ارتباط بین شیعیان ایران و لبنان، به زمان صفویه بازمی‌گردد که پادشاهان آن از علمای شیعه جبل عامل طلب راهنمایی کردند. در پس این دعوت، تعدادی از علمای شیعه‌ی جبل عامل به ایران سفر کرده، به آموزش‌های مذهبی مشغول شدند (جوان و خسرو شیری، ۱۳۸۸: ۸).

تأثیر و بازتاب عظیمی که انقلاب اسلامی در میان شیعیان لبنان به وجود آورد و آنها را که با وجود داشتن اکثریت نسبی در گذشته در شرایط سیاسی، اجتماعی اسفناکی به سر می‌بردند، ناگهان زنده و بیدار کرده و در جامعه لبنان که آنها را که بعنوان محرومین می‌شناختند به بمب‌های متحرکی بدل ساخت که توانستند در تقابل با اشغالگران در مدت کوتاهی پنج قدرت بزرگ غربی را بدون دادن کوچک‌ترین امتیازی وادار به فرار از این کشور بنمایند و در حقیقت علاوه بر حزب‌الله، جنبش امل، به رهبری امام موسی صدر و در حال حاضر نیبه بری، جنبش امل اسلامی به رهبری سید حسین موسوی و در میان گروه‌های اسلامی سنی

«جنبش توحید اسلامی» به رهبری شیخ سعید شعبان، تحت تأثیر مستقیم انقلاب رشد کرده‌اند (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰).

در باب اهمیت لبنان باید گفت لبنان نه تنها کانال حضور انقلاب اسلامی در کل جهان عرب است، بلکه مهم‌ترین کانال برای اثرگذاری بر مسئله قدس، فلسطین و منازعه اعراب و اسرائیل می‌باشد. این سرپل همچنان فعال و پویا بوده و با خروج اسرائیل از جنوب لبنان پس از ۲۲ سال چنین تلقی می‌شود که حزب‌الله و مقاومت اسلامی که بازوی انقلاب اسلامی به حساب می‌آیند، سهم بسزایی در این امر داشتند (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۰).

۴-۴- زمینه‌های تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان

بازتاب انقلاب اسلامی ایران در لبنان، غنی‌ترین و حساس‌ترین قسمت از تأثیرات جهانی و منطقه‌ای انقلاب ایران است. باید اذعان کرد که ایران در تلاش برای صدور انقلاب اسلامی و گسترش نفوذ خود، آرایش نیروها را در لبنان، از سال ۱۹۸۲ به این سو تغییر داده است. این امر در پهنه زمینه‌هایی چند رخ داده است. فروپاشی اقتصاد لبنان، سرخوردگی از میانه‌روی سیاسی و افزایش سطح عمومی فقر، تبدیل اسلام بعنوان جایگزین منحصر به فرد و بدیل انسانی برای جنگ و پناهگاهی برای گریز از اضطراب‌ها. این‌گونه است که انقلاب اسلامی ایران توانسته است، به الگوسازی و عینی‌سازی نمود خود در جامعه لبنان دست زند (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۱۷).

۴-۱- آرمان مشترک مبارزه با استکبار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنان امت بزرگ اسلام، متوجه رابطه تنگاتنگ میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران و ارادت و علاقه صمیمانه مبارزان لبنانی به امام و پذیرش رهبری آن بزرگوار شدند و بیم آن داشتند که آنچه در ایران گذشته است، شاید در لبنان نیز صورت پذیرد، از این‌رو، حمله اسرائیل با تأیید مستقیم آمریکا و هم‌پیمانانش در پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۱، شروع شد. تصور آنها بر این بود که مقاومت و مبارزه‌ای بیش از مقاومت‌هایی که از رژیم‌های غربی دیده بودند، در پیش نخواهد بود (بی‌نا، ۱۳۶۵: ۲).

با وقوع تجاوز نظامی اسرائیل به جنوب لبنان در خرداد ۱۳۶۱، گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای آموزش نیروهای لبنانی برای مقابله با اسرائیل به لبنان اعزام شدند. آنها ضمن آموزش نظامی، به ایجاد وحدت میان گروه‌های مرتبط با ایران نیز پرداختند که در نهایت به شکل‌گیری حزب‌الله انجامید (ویکی شیعه، بی‌تا). تشکیلاتی که بیشترین آمادگی را جهت پذیرفتن ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی از

^۱ NATO

خود نشان داده. حزب اله لبنان حامل همان ایدئولوژی انقلاب اسلامی بود؛ یعنی تکیه بر توانایی‌های خود به منظور سرکوب دشمن؛ از این رو جمهوری اسلامی ایران حزب اله را نوک پیکان مبارزه خود با اسرائیل محسوب نمود و براساس تعالیم اسلامی حمایت از آن را سرلوحه سیاست‌های خود قرار داد. علاوه بر آن ایران با حضور در لبنان از قابلیت افزایش عمق استراتژیک خود نیز در برابر رژیم صهیونیستی نیز پرداخت (محمدی، ۱۳۹۳: ۸۱).

۴-۲- دشمن یکسان لبنان و جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره) همواره بر مقابله با دولت غاصب اسرائیل تأکید داشتند. دلایل امام (ره) برای مقابله با اسرائیل نیز خطر این دولت برای کشورهای اسلامی و همچنین اشغال قبله اول مسلمین توسط دولت صهیونیستی اسرائیل است. امام (ره) فرمودند: «امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، (...) افتاده است. امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی تفرقه‌افکنی می‌کند. بر هر مسلمان لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند. من نزدیک به بیست سال است خطر صهیونیسم بین‌الملل را گوشزد نموده‌ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلابات آزادی‌بخش جهان و انقلاب اخیر اسلامی ایران کمتر از گذشته نمی‌دانم. قبلاً هم تذکر داده‌ام، دولت غاصب اسرائیل، با هدف‌هایی که دارد برای اسلام و ممالک مسلمین خطر عظیم دارد و خوف آن است اگر مسلمین به آنها مهلت دهند، فرصت از دست برود و جلوگیری از آنها امکان‌پذیر نشود و چون احتمال خطر متوجه اساس اسلام است لازم است بر دول اسلامی بخصوص بر سایر مسلمین عموماً که رفع این ماده فساد را به هر نحو که امکان دارد بنمایند. تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از آمریکاست». (مشرق نیوز، ۱۳۹۰).

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اقدامات حزب اله در مواجهه با اسرائیل شکست استراتژی بازدارندگی^۱ اسرائیل است. نظریه بازدارندگی بر دو پایه مهم استوار است: اول، خردگرایی طرفین و محاسبه عقلانی سود و زیان حاصل از مقابله جدی؛ دوم، گزینه‌های مختلف برای تصمیم‌گیری. بر این مبنا در زمان پیدایش حزب اله تهدیدهای اسرائیل گونه‌ای بود که هیچ یک از بازیگران عرب منطقه به دلیل حفظ بقای خود حاضر نبودند خطرات مقابله با اسرائیل را بپذیرد، آنها ترجیح می‌دادند وضع ناعادلانه موجود را قبول کنند و این مولفه، محور اصلی تعامل اجباری با اسرائیل قرار گرفته بود. تنها بازیگری که بعد از تجاوز نظامی اسرائیل پا به عرصه گذاشت و به نیابت از آرمان و اراده اسلامی و ملی وارد مبارزه با اشغال‌گران شد و سیاست بازدارندگی اسرائیل را با چالش مواجه کرد، عنصر نوظهور مقاومت اسلامی که این شجاعت را داشت که با اسرائیل وارد جنگ

^۱ Deterrence strategy

شود حزب‌الله بود. این جنبش بدون توجه به تهدید کیفرآمیز که محور بازدارندگی محسوب می‌گردد و فارغ از اینکه بازدارندگی اسرائیل ممکن است قدرت وی را محدود کند، وارد کارزار شد. حزب‌الله در طول فعالیت‌اش نشان داد که بعنوان یک کنشگر قادر است طوری عمل نماید که نه تنها در رویارویی جدی و واقعی با حریف، ارزش‌های از دست داده خود را باز پس گیرد، بلکه فارغ از هیمنه و توانایی نظامی نامتعارف دشمن، وی را از اراضی اشغالی اخراج نماید (باقری و گلشنی، ۱۳۹۱: ۲۲-۲۱).

حزب‌الله در طی بیش از سه دهه گذشته با حمایت ایران، با به بازی گرفتن ارکان و اعتبار بازدارندگی اسرائیل کلیه معادلات استراتژیست‌های اسرائیلی را به هم ریخته است. نتیجه این امر، عقب‌نشینی اجباری ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۰ و شکست آن در سال ۲۰۰۶ در جنگ ۳۳ روزه بود (یزدانی و باقری، ۱۳۹۷: ۱۷).

۴-۳- مولفه‌های فرهنگی و ارزشی مشترک

حزب‌الله در شرایطی ظهور کرد که کشور کوچک لبنان را هاله‌ای از گرایش‌های مادی از یک‌سو و هجوم و سیطره فرهنگ غربی از سوی دیگر فراگرفته که منشأ و اساس بسیاری مذهبی از مفاسد سیاسی - اجتماعی و اخلاقی و اسلامی شده بود. از دیگر سو، مردم کشور کوچک لبنان دارای عقاید مختلفی بودند و پیروان دین مسیح در این کشور کم نبودند. مسیحیان لبنان بیشتر به لحاظ سیاسی و فکری - فرهنگی از غرب جدید تبعیت می‌کردند. از این‌رو، به دلیل قیومیت طولانی فرانسه بر لبنان، فضای اجتماعی - سیاسی لبنان به نفع مسیحیان و به تبع آن غرب سوق داده شده بود. بنابراین، می‌توان گفت لبنان حال و هوای غرب را به خود گرفته بود که این وضعیت برای مسلمانان به ویژه شیعیان دشوار و نگران‌کننده به شمار می‌رفت (میرعلی، ۱۳۹۲: ۷).

واژه‌ها و اصطلاحات موجود در فرهنگ سیاسی حزب‌الله لبنان، اکثراً متأثر و برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی است که در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌شود. یکی از مفاهیم اساسی و محوری در فرهنگ سیاسی حزب‌الله لبنان، تقسیم جهان برحسب نظر امام خمینی (ره) به دو گروه ابرقدرت‌ها و مستضعفان است. این تقسیم دوگانه محور اصلی اندیشه سیاسی حزب‌الله است تا آنجا که در سخنرانی‌های همه مسئولان و رهبران حزب به آن اشاره می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶).

نگاهی گذرا به نامه سرگشاده حزب‌الله در فوریه ۱۹۸۵م بیان‌گر آن است که حزب‌الله، هویت خود را در دل هندسه «امت اسلام» بازخوانی نموده و کوشیده تا لبنان را بعنوان جزئی از امت حزب‌الله و حکومت اسلامی مرکزی (که طلایع‌دار آن ایران عنوان می‌گردید) و خود را از فرزندان این امت معرفی کند و در نتیجه، آشکارا خود را به «دستورهای رهبری یگانه، حکیم و عادل که در ولی‌فقیه جامع‌الشرایط نمود یافته است»، ملتزم عنوان کند (میرعلی و معصومی زارع، ۱۳۹۹: ۷).

این نامه نمایشگر نوعی از جهان‌بینی است که مهم‌ترین شاخصه‌ها و مولفه‌های آن عبارتند از:

- (۱) اسلام‌گرایی و التزام نظری و عملی به ولایت فقیه عادل جامع‌الشرایط؛
- (۲) جهان‌شمولی اسلام و تقدم هویت اسلامی و استضعافی بر هویت ملی و عربی و گرایش به سیاست نه شرقی و نه غربی (بعنوان الگوی تحلیل وضعیت موجود داخلی و بین‌المللی)؛
- (۳) ایمان‌گرایی و باور به غیب در سیاست‌گذاری‌های کلان (پرهیز از رویکردهای عمل‌گرایانه)؛
- (۴) مقابله و مبارزه با قدرت‌های جهانی (که در آمریکا، فرانسه و رژیم صهیونیستی و در نهایت نظام کتائبی لبنان تعیین یافته بود)؛
- (۵) بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی (در رأس آنها شورای امنیت و نهادهای وابسته به سازمان ملل)؛
- (۶) امت‌محوری و در نتیجه نفی جغرافیای ملی موجود و به تبع آن نظام سیاسی موجود لبنان؛
- (۷) نمادگرایی شیعی‌محوارانه (با اتکا به مفاهیمی چون: شهادت، عاشورا، استضعاف، امت، ظلم‌ستیزی، جهاد، انتظار، غیبت، مرجعیت و ...)
- (۸) غلبه وجوه سیاسی - اجتماعی اسلامی و انقلابی بر ادبیات رایج سیاسی (غلبه مفاهیمی همچون: اسلام، الله، مستضعف، شهدا، شهادت، ظلم‌ستیزی، مقاومت، دشمن و ... بر مفاهیم رایج سیاسی مانند اصلاح‌گری، صلح، انسان، وطن، شهروندی و ...) (میرعلی و معصومی زارع، ۱۳۹۹: ۱۰).

۴-۴- ایدئولوژی مشترک

سیاست خارجی، جهت‌گیری یک کشور را نسبت به نظام بین‌الملل مشخص می‌سازد. هر کشوری برای فعالیت در عرصه بین‌المللی نیازمند طراحی سیاست خارجی فعال و پویایی است. سیاست خارجی استراتژی طراحی شده بوسیله سیاستگذاران یک کشور در مقابل دولت‌ها یا عناصر بین‌المللی دیگر برای رسیدن به اهداف ملی و تامین منافع ملی است. منافع ملی، چارچوبی است که سیاست خارجی باتوجه به آن رویه‌ها و ابزارهای خود را سازماندهی می‌کند. در حقیقت تامین منابع ملی خط قرمز سیاست خارجی کشورها است ایران به دلیل ماهیت خاص سیاست خارجی نظام خود که دارای ویژگی خاصی در ماهیت و شیوه اجرا بوده باید کلیه تصمیمات خود را با اسلام تطبیق دهد (سنایی و کاویان‌پور، ۱۳۸۹: ۲۰۷).

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ایران کلیه مسائل داخلی و بین‌المللی خود را بر مبنای شرع اسلام پایه‌گذاری کرده است. یعنی ایدئولوژی اسلام منبع اصلی قانون اساسی بوده است. استراتژی اصلی نظام در تصمیم‌گیری‌های مهم و حساس و بویژه در سیاست خارجی بر مبنای اولویت قائل شدن به اصول دین اسلام بوده است. بر این مبنا کلیه تصمیمات در سیاست خارجی مبتنی بر آرمان‌های مکتب اسلام می‌باشد که در قانون اساسی در فصل دهم و اصول ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۴ به آن پرداخته شده است. به جزء فصل دهم

قانون اساسی، شش اصل نیز در مورد سیاست خارجی ذکر شده است که شامل اصول ۴۵، ۱۴۶، ۸۱، بند ۵ اصل ۳ و بند ۷ اصل ۱۶ است که لزوم اتخاذ سیاست خارجی کشور را براساس معیارهای اسلامی بیان کرده است.

در عین حال سیاست خارجی ایران نیز نمی‌تواند بدون توجه به منافع ملی کشور، تصمیم‌گیری و اجرا شود. با این حال همچون تمام نظام‌های ایدئولوژیک برقراری پیوند میان ایدئولوژی و منافع ملی دغدغه اصلی سیاستگذاران کشور در طی چندین سال گذشته بوده است (سنایی و کاویان‌پور، ۱۳۸۹: ۲۰۸). جمهوری اسلامی ایران و شیعیان لبنان از هماهنگی ایدئولوژیکی برخوردار بودند؛ به همین دلیل توانستند پیوندهای موثری نه تنها در داخل کشور، بلکه در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برقرار کنند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷). عنصر عقیده و ایدئولوژی علاوه بر اینکه نقش موثری در قوام‌بخشی به جنبش حزب‌الله دارند، متناسب با شرایط زمانه ابزارهای جدیدی را پدید می‌آورند که نقش موثری در دستیابی جنبش به اهداف آنان دارد. بطوریکه ایمان به اسلام، اعتقاد به جهاد در راه خدا و نیل به شهادت بعنوان مبدأ رستگاری موجب شده تا نیروهای مقاومت اسلامی لبنان در برداشتن موانع و سختی‌ها از مسیر خود قدرت استثنایی یابند و بدون هیچ تغییر رویکردی به مقابله با رژیم صهیونیستی بپردازند. جنبش حزب‌الله روحیه شهادت را از افکار و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی به ارث برد که نتیجه آن شجاعت نیروهای حزب‌الله در مقابل دشمن ماتریالیستی‌ای بود که با خرد محاسبه‌گری خود خواهان فرار از مرگ، زنده ماندن و ادامه زندگی دنیوی بود (ترکی و ستوده آرانی، ۱۳۹۸: ۱۹).

حزب‌الله با خوانش ایدئولوژیکی از فقه پویای شیعه، اسلام را بعنوان الگوی کامل برای زندگی بهتر و ایجاد پایه فکری و عملی که تشکیلات موردنظرش براساس آن ایجاد شده، می‌داند. همچنین یکی دیگر از سازه‌های محوری و ایدئولوژیکی آن، اعتقاد به مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل است که بعنوان خطر جاری و آینده لبنان باید در اولویت قرار گیرد. حزب‌الله در این راستا بر این باور است که برای مقابله با این خطر، ایجاد ساختار جهادی و مبارزاتی و بکارگیری همه امکانات برای انجام این مأموریت لازم است. اعتقاد به ولایت فقیه بعنوان جانشین پیامبر (ص) و امامان (ع) یکی دیگر از محورهای اصلی ایدئولوژی موردنظر حزب‌الله می‌باشد که در قالب مکانیزم تکلیف‌گرایی دینی به اطاعت از اوامر ولی فقیه می‌پردازند (حمیدی و زنگنه، ۱۳۹۶: ۹). مهم‌ترین و اصلی‌ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب‌الله لبنان و انقلاب اسلامی ایران، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. از هنگام پیدایش حزب‌الله تاکنون، مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی‌ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب‌الله بوده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶). رزمندگان حزب‌الله با بهره‌گیری از عوامل معنوی از جمله ولایت محوری در مقابل دشمن می‌ایستند چراکه در نظر ایشان: «هرگونه مقابله، مبارزه و مقاومت و جهاد بدون ولایت و امامت و اطاعت از رهبری میسر نخواهد بود». سید ابراهیم

الامین از رهبران تشکیلات حزب‌اله در این خصوص چنین بیان می‌دارد: «ما در روند تصمیم‌گیری صرفاً بر فقیه تکیه داریم. فقیه مرز جغرافیایی نمی‌شناسد بلکه این مشروعیت اسلامی است که فقیه آن را معرفی می‌کند. به همین شکل، هیچ فاصله‌ای میان مسلمانان لبنان و مسلمانان ایران وجود ندارد. ما در لبنان خود را جدا از انقلاب اسلامی ایران نمی‌دانیم، به‌ویژه در مورد بیت‌المقدس از خدا می‌خواهیم که ما را بعنوان بخشی از ارتش به حساب که امام خمینی تمایل به تشکیل آن، برای آزادسازی بیت‌المقدس دارد. ما از فرامین امام پیروی کرده و به جغرافیا اعتقاد نداریم» (گرمابدشتی، ۱۳۹۳: ۱۷).

در دیدگاه حزب‌اله لبنان ولی فقیه بر شیعیان مومن تابع دولت‌های دیگر نیز رهبری معنوی دارد و اگرچه انقلاب اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، ولی به آن کشور منحصر نشده است؛ زیرا امام خمینی (ره) روح انقلابی امت اسلام را نخست در ایران زنده ساخت و از آنجا به چهارگوشه جهان اسلام گسترش یافت. سید حسن نصراله دبیرکل حزب‌اله لبنان ولی فقیه را استمرار دهنده رسالت پیامبر (ص) پس از رحلت آن حضرت می‌داند و امام خمینی را امام حسین عصر و شخصیتی مقدس از سلاله پیامبر (ص) توصیف می‌کند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶).

همچنین حزب‌اله با تأکید بر روحیه مقاومت‌پذیری و تأکید بر عنصر عقیده و ایدئولوژی خود، نوعی «ما می‌توانیم» را در ساختار موزائیکی لبنان را به وجود آورده است. بگونه‌ای که ائتلاف طرفدار حزب‌اله امروزه با ۱۰۵ شرکت در انتخابات - روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۷ که در این انتخابات ۵۸۳ نامزد در قالب ۷۷ فهرست در ۱۵ حوزه انتخاباتی برای تصاحب ۱۲۸ کرسی پارلمان لبنان با هم رقابت کردند - توانسته است ۶۷ کرسی پارلمان را به دست آورد. به عبارتی؛ اکثریت پارلمان در دست جریان مقاومت لبنان قرار گرفته است. طبق قانون اساسی لبنان رئیس پارلمان باید یک شیعه و نخست‌وزیر سنی باشد که این امر می‌تواند نقطه عطفی حتی برای تغییر قانون اساسی باشد (ترکی و ستوده آرانی، ۱۳۹۸: ۱۹).

تفکر جهادی از دیگر مبانی ایدئولوژیکی حزب‌اله است که آن را می‌توان در نامه این جنبش با عنوان «نامه سرگشاده به مستضعفان لبنان و جهان» در سال ۱۹۸۵م. مشاهده نمود. در بخشی از این نامه آمده است که «ما با صراحت و روشنی اعلام می‌کنیم امتی هستیم که جزء از خداوند از کسی نمی‌ترسیم و ظلم و تجاوز و ذلت را نمی‌پذیریم. این جنبش شیعی از نظر ایدئولوژیکی در ابتدا، متأثر از انقلاب اسلامی ایران به دنبال تأسیس حکومت اسلامی در لبنان بود اما به تدریج، رهبران آن دریافتند که باتوجه به ترکیب ناهمگون جمعیت در لبنان، این امر در شرایط فعلی امکان‌پذیر نیست. لذا آنان بر این اساس به ضرورت تحول و سازگاری در جامعه ناهمگن لبنان پی بردند (حمیدی و زنگنه، ۱۳۹۶: ۹-۱۰).

نتیجه‌گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران نشان داد که اسلام با گذشت زمان، توسعه و مدرنیزاسیون در جوامع، اثرات و بازتاب‌های پایداری در سطوح منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی داشته است. قرآن و آیات آن در دنیای پس از انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم جدیدی یافت. پیروزی انقلاب اسلامی موجب احیای افکار و اندیشه‌های اسلامی در سراسر جهان و افزایش روحیه و تقویت بنیادهای فکری گردید. بگونه‌ای که از حالت تدافعی درآمده و حالت تهاجمی به خود گرفته است. انقلاب اسلامی ایران گفتمان و ذهنیت جدیدی در مسلمانان به وجود آورد. از این‌رو بررسی ابعاد منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی، بویژه در جهان اسلام که محمل اصلی شعار و پیام انقلاب اسلامی است و در رابطه با دولت‌ها و ملت‌ها امری مهم تلقی می‌گردد که از لحاظ آکادمیک نیز به توجه بیشتری نیاز دارد. در این میان، لبنان یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین کشورها برای بررسی است که نزدیک‌ترین رابطه را با جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی داشته است.

باتوجه به نظریه پخش که یک جریان تفکری و اندیشه‌ای می‌تواند بدون حضور فیزیکی پیروان آن تفکر به سایر کشورها نیز نفوذ کند، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باتوجه به رسالت جهانی و الهی که امام (ره) برای انقلاب قائل بود و همچنین باتوجه به اینکه انقلاب اسلامی با شعار دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان به پیروزی رسیده بود، شاهد استقبال کشورهای منطقه بالأخص شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری از آنان از انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) بودیم. شیعیان لبنان به دلیل اشتراکات و پیوند دیرینه‌ای که با ایرانیان دارند؛ به سرعت جذب انقلاب اسلامی گردیدند و جریانی تحت عنوان حزب‌اله را به وجود آوردند. اشتراکات آرمانی، فرهنگی و ارزشی، دشمن مشترک و ایدئولوژی مشترک شیعیان لبنان با انقلاب اسلامی باعث پیوندی محکم و استوار بین انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان گردید بگونه‌ای که در فضای سیاسی جهان مواضع شیعیان لبنان منطبق بر مواضع ایران هست و می‌توان گفت یک ایران کوچک در لبنان توسط شیعیان لبنان به وجود آمده است. بدین ترتیب شیعیان لبنان توانستند با به وجود یک جنبش قدرتمند تحت عنوان حزب‌اله دارای پایگاه قدرتمندی در میان مردم لبنان شوند و نقش تأثیرگذاری در صحنه سیاسی و اجتماعی لبنان ایفا نمایند.

در نهایت امر می‌توان بیان نمود که؛ انقلاب اسلامی ایران در ایران و منطقه خاورمیانه به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در جهان اسلام بود. این مایه‌های اثربخش بطور طبیعی و یا ارادی و برنامه‌ریزی شده و از طریق کانال‌هایی چون ارگان‌های انقلابی، سازمان‌های رسمی دولتی و اداری، ارتباطات علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای مسلمان بازتاب یافته و دولت‌ها، ملت‌ها، جنبش‌ها و سازمان‌های دینی و سیاسی را در آنجا با شدت و ضعف‌های مختلف متاثر ساخته است.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان چهره‌ای جدید از قدرت قلمداد کرد که در برگیرنده مولفه‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است؛ ارزش‌هایی نظیر مردم‌سالاری دینی و کمک‌های بشردوستانه به نهضت‌های رهایی‌بخش و ارتقای توانمندی‌های علمی و فرهنگی در بطن و ماهیت انقلاب اسلامی است. بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران با استفاده از قدرت مردم و با تکیه بر ایمان و توکل به خدا و کمک مردم و تاکید بر مفاهیمی نظیر مستضعفان، جنگ بین فقیر و غنی، نبرد میان راحت‌طلبی و جهاد، بسیج اسلامی، سپاه پاسداران، نظم قدیم را از بین برد و نظم نوینی را در جهان معاصر حاکم کرد که منبع قدرت آن، ایمان توده‌های مردم است و در عین حال با دادن حق اعمال حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خود مردم به آنها، بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت بودند، تأثیر فوق‌العاده و شگفتی گذاشت که حتی می‌توان ادعا کرد جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل کرد.

تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی بطورکلی و بر شیعیان لبنان بطورخاص، از همان زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی آغاز گردید. از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره نمود که گسترش و سرایت یک پدیده به ویژه پدیده مهم انقلاب اسلامی، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است مدت‌ها به طول بینجامد. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی یک امر پایدار

و دائمی بوده است. به عبارت دیگر، این تأثیرگذاری از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان حاضر ادامه داشته ۱۰۷ است. در واقع حزب‌الله که نماد شیعیان لبنان است، بیش از هر گروه دیگری در لبنان، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است که علاوه بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری موجب تأثیر شگرف شده است که از جمله آنها می‌توان پذیرش رهبری انقلاب اسلامی بعنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب‌الله و حمایت‌های معنوی، مالی و نظامی ایران از حزب‌الله را عنوان کرد. در بعد فرهنگی حزب‌الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل‌های انقلاب اسلامی را سمبل خود می‌داند. این جنبش در بعد سیاسی هم، به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته و رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است.

فهرست منابع

- ۱- آقاجانی قناد، علی (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر بازتاب انقلاب اسلامی در لبنان: امتداد حزب‌الله»، **پگاه حوزه**، ش ۲۲۰.
- ۲- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲)، **انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، مترجم: محسن میرشانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۳- بی‌نا (۱۳۶۵)، «انقلاب اسلامی لبنان در سخنان مسئول جنبش امل اسلامی»، **نشریه پاسدار اسلام**، ش ۵۳.

- ۴- بی‌نا (۱۳۸۹)، «گسترش جنبش‌های اسلامی و استبداد خاورمیانه‌ای»، www.hawzah.net/fa/magazine/view
- ۵- ترکی، هادی و ستوده آرانی، محمد (۱۳۹۸)، «حزب‌اله به مثابه یک جنبش سیاسی - اجتماعی»، **دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، ش ۲.
- ۶- حمایتیان، احسان و جعفری‌زاده، علیرضا (۱۳۹۴)، «تعاملات سیاسی - امنیتی منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: ایران و عربستان سعودی)»، **فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس**، ش ۴۵.
- ۷- حمیدی، سمیه و زنگنه، پیمان (۱۳۹۶)، «مقایسه تأثیر سیر تحول فکری - تشکیلاتی بر کنش‌گری حزب‌اله لبنان و اخوان‌المسلمین مصر»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، ش ۲.
- ۸- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۷)، «نگاهی به فعالیت حزب‌اله لبنان؛ از مقاومت ضدصهیونیستی تا ورود به عرصه سیاسی»، www.tasnimnews.com/fa/news/
- ۹- خبرگزاری صدا و سیما (۱۳۹۵)، «دیدگاه میشل فوکو درباره انقلاب ایران»، www.iribnews.ir/fa/news/1491093
- ۱۰- خبرگزاری فارس (۱۳۹۶)، «زمینه‌های تأثیرپذیری حزب‌اله لبنان از انقلاب اسلامی ایران»، www.farsnews.ir/news/13960125
- ۱۱- خمینی، روح‌اله (۱۳۷۹)، **صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی**، ج ۱۰، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۲- رهبر، نجات‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، «قدرت نرم، انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی»، **پژوهش‌های راهبردی در سیاست**، س ۴، ش ۱۴.
- ۱۳- سنایی، اردشیر و کاویان‌پور، مونا (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه ایدئولوژی و منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی به بحران‌های چچن، بوسنی و فلسطین»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۳، ش ۱۳.
- ۱۴- فلاح‌زاده، محمدهادی و منیری، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «تبیین پیمایشی فرصت‌های حج ابراهیمی به منظور صدور انقلاب اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، س ۳، ش ۹.
- ۱۵- گرمابدشتی، سکینه (۱۳۹۳)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش حزب‌اله لبنان»، **فصلنامه فرهنگ پژوهش**، ش ۱۸.
- ۱۶- گلشنی، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۱)، «جایگاه حزب‌اله لبنان در استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، ش ۱۱.
- ۱۷- مجیدی، حسن (۱۳۹۱)، «از جنبش تا نهاد، بازخیزی شیعیان خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، س ۱، ش ۱.
- ۱۸- محمدی، منوچهر (۱۳۸۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ش ۶۳.

- ۱۹- محمدی، منوچهر (۱۳۹۳)، **بازتاب انقلاب اسلامی**، چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۰- معین‌آبادی، انتقامی و حسین، عزیزه (۱۳۹۳)، «بازتاب انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در تونس»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، س ۷، ش ۲۵.
- ۲۱- موسوی، محمدسالار و کسرای، رحیم (۱۳۹۲)، «انقلاب و جنگ ایران و عراق»، **پژوهشنامه متین**، س ۱۵، ش ۵۸.
- ۲۲- میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی ایران و حزب‌الله»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، ش ۴.
- ۲۳- میرعلی، محمدعلی و معصومی زارع، هادی (۱۳۹۸)، «تحلیلی بر ماهیت تغییر در ادبیات کنش‌گران سیاسی حزب‌الله لبنان»، **فصلنامه شیعه‌شناسی**، ش ۷۰.
- ۲۴- ویکی شیعه (بی‌تا)، «حزب‌الله لبنان»، www.fa.wikishia.net/view/



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی